

Research Article

A Comparative Study of the International Declaration of Human Rights with Quranic Teachings

Moein Sabahi Goraghani^{1*}, Hamidreza Dejan²

Abstract

The Universal Charter of Human Rights, which was compiled with the motivation of the rule of justice and world peace and was effective creating peace and security, is based on certain principles present research, while examining materials and contents declaration and its adaptation to the perspective of the Holy Quran, in terms theorizing, applying and implementing, it should be examined by referring verses and traditions and authentic religious and legal books. The axis determining the most important principles of human rights and freedoms, including the principle of freedom, the principle equality, which is included the declaration of human rights and is apparently ine with the teachings of the Islamic religion, but does not have sufficient validity. Despite the universality of the Declaration of Human Rights, it has so far provoked many challenges among some nations of the world, including Muslim countries, which ignore the main basis of human rights in Islam, which is oneness of God and the reliance human reason and the axis Being human has been involved in compiling this declaration. The general result this research was examine common points and points difference between the articles Declaration of Human Rights and the views of the Holy Qur'an in terms of content and theme following areas, such as; Human dignity, foundations, views, types of freedoms, property, differences implementation, inherent equality and the principle of equality, right life and security in personal life, differences type of attitude towards humans, neglecting the relationship between humans and God, solving challenges and shortcomings Human rights.

Keywords: Holy Quran, Islam, Declaration of Human Rights, Dignity, Freedom

1. Assistant Professor, Department of Law, Kerman Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran
2. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Rafsanjan Branch, Islamic Azad University, Kerman, Iran

Correspondence Author: Moein Sabahi Goraghani

Receive Date: 2023.09.12

Accept Date: 2023.03.12

How to Cite: Sabahi Goraghani M, Dejan H., A Comparative Study of the International Declaration of Human Rights with Quranic Teachings, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2024;14(56):713-730.



پښتونستان د علومو او مطالعاتو فریښتی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی تطبیقی اعلامیه بین المللی حقوق بشر با تعالیم قرآنی

معین صباحی گراغانی^{۱*}، حمیدرضا دژن^۲

چکیده

منشور جهانی حقوق بشر که به انگیزه حاکمیت عدالت و صلح جهانی تدوین شده و در ایجاد صلح و امنیت نیز کارایی داشته، بر پایه مبانی و مبادی خاصی استوار است. در این میان مدافعان و موافقان آن، به جای بررسی و ارزیابی این مبانی، تنها با تکیه بر انگیزه و کارایی که داشته پذیرش آن را بایسته می دانند. اما این همه دلیل بر بر حقانیت و درستی آن به عنوان یک فکر و اندیشه نمی تواند باشد. در این پژوهش حاضر ضمن بررسی مواد و مفاد سی گانه این اعلامیه و تطبیق آن با دیدگاه قرآن کریم از لحاظ نظریه پردازی و تطبیق و اجرا با استناد به آیات و روایات و کتب معتبر دینی و حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. محور تعیین مهمترین اصول حقوق و آزادی‌های بشر از جمله اصل آزادی، اصل برابری و مساوات که در اعلامیه حقوق بشر قرار گرفته و با تعالیم دین مبین اسلام ظاهراً همخوانی دارد اما از سنخیت کافی برخوردار نمی باشد. علی رغم جهانی بودن اعلامیه حقوق بشر، اما تاکنون چالش‌های بسیاری را در میان برخی ملل جهان و از جمله کشورهای مسلمان برانگیخت که نادیده گرفتن مبنای اصلی حقوق بشر در اسلام یعنی یگانگی و وحدانیت خداوند و اکتفا نمودن به عقل بشری و نیز محور بودن انسان در تدوین این، اعلامیه دخالت داشته است. نتیجه کلی این پژوهش بررسی وجوه مشترک و نکات محل اختلاف مواد اعلامیه

۱. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، واحد رفسنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران

نویسنده مسئول: معین صباحی گراغانی

حقوق بشر با دیدگاه‌های قرآن کریم از لحاظ محتوی و مضمون در حیطه‌های زیر مورد مقایسه گرفت از جمله؛ کرامت انسانی، مبانی، دیدگاه‌ها، انواع آزادی‌ها، مالکیت، تفاوت در اجرا، تساوی ذاتی و اصل برابری، حق حیات و امنیت در زندگی شخصی، تفاوت در نوع نگرش به انسان، غفلت از رابطه انسان با خداوند، رفع چالش‌ها و کاستی‌های حقوق بشر.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، اسلام، اعلامیه حقوق بشر، کرامت، آزادی

مقدمه و بیان مسئله

اندیشه حقوق بشر بر تصور ویژه‌ای از انسان استوار است و از دیدگاه‌های خاصی نسبت به هستی، معرفت و حقوق مایه می‌گیرد. آنچه امروزه حقوق بشر نامیده می‌شود و در اعلامیه جهانی حقوق بشر سازمان ملل در قالب سی ماده بیان شده است، فکر و اندیشه‌ای است که بر مبانی خاصی استوار بوده از مبادی خاصی نشأت می‌گیرد. این حقیقت را می‌توان از متن اعلامیه و نیز از سخنان و تحلیل‌های مدافعان آن به دست آورد. بنابراین، پذیرش این اندیشه و ایجاد نظام حقوقی بر پایه آن، یا رد آن و پی‌ریزی نظام حقوقی بر اساس اندیشه‌ای دیگر، در صورتی موجه و معقول است که پیشاپیش مبانی و مبادی اندیشه حقوق بشر نقد و ارزیابی شده و در مبارزه و رویارویی با چالش‌ها و انتقادات، سرفراز بیرون آمده باشد. متأسفانه برخی از مدافعان حقوق بشر به جای مبانی اندیشه به انگیزه طرح اندیشه تمسک می‌جویند. از نظر این دسته، چون اندیشه حقوق بشر در قالب یک اعلامیه جهانی، برای ایجاد آزادی، عدالت و صلح و پایان دادن به استبداد، ستم و جنگ و خونریزی، مطرح شده است پس باید مورد احترام و عمل قرار گیرد. و گاهی نیز به نقش و کارایی آن در ایجاد صلح و امنیت میان انسان‌ها و ملت‌ها تکیه کرده و از آن به عنوان دلیل یا مؤید ضرورت پذیرش آن یاد می‌کنند. حال آن‌که کارایی - تنها به فرض آن که واقعیت داشته باشد - یا صرف انگیزه درست، نمی‌تواند دلیل بر درستی و معقولیت اندیشه باشد. حقانیت آن را باید از استواری مبانی و مبادی آن نتیجه گرفت، و گرنه گاه یک فکر باطل نیز منافع و مصالحی را برای مدتی تأمین می‌کند، اما انسان به خود اجازه نمی‌دهد که چنین فکری را حق تلقی کرده و مبنای زندگی قرار دهد.

از اینرو از مطالعه مواد سی گانه اعلامیه جهانی حقوق بشر می توان دریافت؛ نخست آنکه اندیشه حقوق بشر گرچه طرحی است برای بهسازی زندگی مادی؛ اما پاره ای از مبانی آن کاملاً متافیزیکی و فرامادی است. نمونه بارز آن مسأله «کرامت ذاتی انسان» است. اینکه این کرامت چیست و چگونه پدید آمده است و آیا بالقوه است یا بالفعل و چه نسبتی با رفتار انسان دارد و ... پرسش هایی است که مسأله کرامت را از یک مسأله ساده اخلاقی بیرون برده و به آن ابعاد فلسفی و متافیزیکی می بخشد. بنابراین، تصور برخی مبنی بر اینکه «اعلامیه حقوق بشر» راه حل یک توافق عملی اجتناب ناپذیر برای به رسمیت شناختن حرمت و کرامت انسان در هر شرایط و بدون هیچ استثنا و تبعیض را نشان می دهد و کاری به اختلاف نظرهای موجود در انسان شناسی فلسفی و دینی قدیم و جدید ندارد»، (صدر، ۱۳۸۲) پنداری بس بی اساس است. حقوق بشر بر پایه بینش ویژه ای از کرامت انسان و نیز سعادت وی استوار است و هرگونه سخن و گفتاری در این زمینه، سخن و گفتار فلسفی با زمینه انسان شناسی خواهد بود، چنان که اختلاف دیدگاه های تدوین کنندگان بر سر حقوق طبیعی یا استناد به خدا و غیره که پیش از این اشاره شد، مؤید این نکته است. نکته دوم آنکه پذیرش یا ردّ اندیشه حقوق بشر همان گونه که گذشت تنها هنگامی معقول و موجّه است که مسبوق به نقد و ارزیابی مبانی یادشده باشد. نمی توان از این مبانی چشم پوشید و به داوری و موضع گیری نسبت به آن پرداخت. چنان که یکی از نویسندگان که در دفاع از حقوق بشر شوق و ذوق فراوانی از خود نشان داده است، هنگام بحث از تعارض حقوق بشر با احکام شرعی در برخی زمینه ها، به رغم اینکه از مبانی ویژه هر یک از دو اندیشه حقوق بشر و اندیشه فقهی سخن به میان آورده است، اما در مقام داوری میان آن دو، همه آن مبانی را فراموش کرده و داوری خویش را بدون در نظر داشت آنها انجام داده است. (صدر، ۱۳۸۲) از اینرو با تطبیق آیات قرآن کریم با اعلامیه حقوق بشر به بررسی این موضوع از نقطه نظرات افتراق و اشتراک آنها می پردازیم.

هدف پیدایش جهانی حقوق بشر

منشور جهانی حقوق بشر که به انگیزه حاکمیت عدالت و صلح جهانی تدوین شده و در ایجاد صلح و امنیت نیز کارایی داشته بر پایه مبانی و مبادی خاصی استوار است در این میان

مدافعان و موافقان آن، به جای بررسی و ارزیابی این مبانی تنها با تکیه بر انگیزه و کارایی که داشته پذیرش آن را بایسته می دانند. اما این همه دلیل بر حقانیت و درستی آن به عنوان یک فکر و اندیشه نمی تواند باشد. (صدر، ۱۳۸۲)

در این خصوص به بررسی برخی از آیات قرآن کریم در این خصوص می پردازیم؛ چگونگی پیدایش جهان از اندیشه هایی بوده که همیشه فکر بشر را مشغول کرده است. قرآن کریم در آیات متعددی اشاراتی به این مسئله کرده است و دانشمندان کیهان شناس نیز در این مورد نظریاتی ابراز کرده اند و حتی بعضی صاحب نظران خواسته اند با انطباق آیات قرآن با برخی از این نظریات علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند که این مطالب قابل نقد و بررسی است.

مفسران و صاحب نظران در این مورد به این آیات توجه کرده اند:

«ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ» «فصلت/ ۱۱» «سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد، و

آن دودی بود.»

«أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» «انبیاء/ ۳۰» «آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [بازهم] ایمان نمی آورند؟»

در این آیات به روشنی مشخص می شود که هدف از از پیدایش جهان برای انسان تفکر در آسمان ها و زمین و کیهان می باشد و ایجاد صلح و امنیت است نه برتری برخی از کشورها بر برخی دیگر.

دیدگاه های مختلف درباره حقوق بشر

الف - دیدگاه های انسان شناختی

کرامت ذاتی انسان که از موجودیت او برخاسته و استقلال و اصالت انسان، فارغ از ربوبیت و مالکیت خداوند نسبت به او (با استناد به بندهای موجود در اعلامیه و مجادلات صورت گرفته در روند تدوین آن).

کرامت انسان در قرآن، به عنوان یک اصل آفرینش در نظر گرفته شده و کرامت در سرشت انسان تنیده شده است. خداوند متعال می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء/آیه ۷۰) ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا بر نشانیدیم، از چیزهای پاکیزه روزی‌اشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم.»

ب- دیدگاه‌های هستی‌شناختی

سر و سامان دادن به زندگی دنیوی به عنوان هدف اصلی جدا انگاری دنیا از آخرت و باور نداشتن به نقش زندگی دنیوی در سرنوشت و سعادت اخروی.

خداوند در قرآن کریم زندگی دنیوی و اخروی را چنین بیان می‌کند؛

«اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكَفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهْبِجُ فَتَرَاهُ مُضْفَرًا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضَاوُنٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» (حدید/۲۰)؛ بدانید زندگی دنیا تنها، بازی و سرگرمی و تجمل پرستی و تفاخر در میان شما و افزون طلبی در اموال و فرزندان است. همانند بارانی که محصولش کشاورزان را در شگفتی فرو می‌برد، سپس خشک می‌شود بگونه‌ای که آن را زردرنگ می‌بینی، سپس تبدیل به گاه می‌شود و در آخرت یا عذاب شدید مهیا شده است و یا مغفرت و رضای الهی، و بهر حال زندگی دنیا چیزی جز سرمایه‌ای برای فریب نیست.

این آیه، مراحل پنجگانه‌ای را برای دنیا بیان میدارد که مطابق با دوران عمر انسان می‌باشد. دوره اول دوران کودکی و سرگرمی‌های کودکانه است (لعب). کودک در این سن چندین ساعت با یک اسباب بازی، خود را سرگرم می‌کند و در نهایت از آن بیزار می‌شود، گاه با مخلوط کردن آب و خاک، گل می‌سازد و خانه بنا می‌کند ولی بمحض اینکه مادرش وی را برای خوردن غذا صدا می‌زند، هر آنچه را ساخته با یک لگد خراب می‌کند.

دوره دوم دوران نوجوانی و بازی جدی است (لهو). در این دوره از زندگی، دیگر آن بازی کودکانه معنا ندارد بلکه آنگونه سرگرمی، نوعی بچه بازی و چه بسا مضحک تلقی شود، لذا نوجوان تحمل بازی کردن با کودک را ندارد، زیرا بازی وی را، در سطحی بسیار پائین و چه بسا ملال آور می‌بیند. در این فصل از عمر، انسان می‌خواهد خوش باشد و شاد زندگی کند.

دوره سوم، دوران نوجوانی و تجمل‌گرایی است (زینت). در این مرحله از حیات، انسان زیبایی را دوست می‌دارد، به هنر بنا بر استعداد و ظرفیت خودش، علاقه نشان می‌دهد، به آراستن خود بهاء می‌دهد، گاه ساعتها با موی خود بازی می‌کند، شیوه راه رفتن، لباس پوشیدن و... مطابق اسلوبی است که او قبلاً آن را پسندیده است.

دوره چهارم، دوران کسب مقام و فخر است، (تفاخر). در این فصل از حیات، انسان در پی این است که سری از دیگران بالاتر باشد، در رشته مورد علاقه اش بسختی تلاش می‌کند، شب و روز را برای رسیدن به هدفش نمی‌شناسد، به مقام و عزت اجتماعی خود فخر می‌ورزد. در دوره های گذشته، لعب، لهو و زینت، فی نفسه مدنظر بودند، کودک می‌خواست بازی کند، نوجوان می‌خواست سرگرم شود و به بازی جدی بپردازد.

جوان می‌خواست زینت داشته باشد. اما در مرحله چهارم، تفاخر فی نفسه ارزش ندارد بلکه ارزش تفاخر نسبت به دیگران معین می‌شود. اینجا انسان می‌خواهد از دیگری بالاتر باشد، به دیگری فخر بورزد، این معنا از «تفاخر» که باب مفاعله است قابل استفاده است ولی علاوه بر آن، واژه «بینکم» در آیه شریفه، این مفهوم را بیشتر واضح می‌سازد.

فصل پنجم از عمر انسان، مرحله ای است که دیگر هیچکدام از مراحل پیشین لذتی ندارد. لعب و لهو، بچه گانه تصور می‌شود، شکل موی سر و چین و چروک های دستها و ضعف اندام مختلف بدن، جانی را برای زینت باقی نگذاشته است، مصادیق تفاخر هم از انسان سلب شده است. در این حال انسان به آتیه می‌نگرد. و برای آن وقت، تنها یار و یاور خود را پول و اولاد می‌بیند، پولی که معیشت او را اصلاح کند و اولادی که به وسیله آنها تقویت یابد و متأسفانه این حالت و مخصوصاً مال اندوزی تا پایان عمر، با انسان همراه خواهد بود.

پ- دیدگاه حقوق شناختی

پذیرش حقوق طبیعی و تأکید بر تساوی و نفی هرگونه تفاوت و تمایز. نگاهی به آموزه‌های قرآنی این معنا ثابت می‌شود که حقوق همواره در ارتباط با دیگری معنا می‌یابد. این دیگری می‌تواند انسانی دیگر، خدا، یا موجودات دیگری چون گیاهان، جانوران و محیط زیست باشد. بنابراین، این گونه نیست که حق و حقوق تنها در دایره محدود انسان تعریف شود.

بر این اساس، حق، قدرت یا امتیازی است که از سوی خداوند به آفریده‌ای داده می‌شود و چون خداوند حق مطلق است (فصلت، آیه ۵۳)، لذا منشأ و خاستگاه هر حقی برای دیگری به شمار می‌رود. (بقره، آیه ۱۴۷؛ آل عمران، آیه ۶۰)

خداوند به طور ذاتی از حق و حقوقی چون مالکیت و ولایت برخوردار است (بقره، آیه ۱۰۷؛ انعام، آیه ۱۴؛ شوری، آیه ۹ و ۳۱؛ عنکبوت، آیه ۲۲)؛ ولی می‌تواند این حق را به دیگری یا دیگران نیز بدهد که داده است. (اعراف، آیه ۱۹۶؛ مائده، آیه ۵۵)

آموزه‌های قرآنی تاکید دارد که حق قانونگذاری تنها از آن خداوند است و دیگری حق تشریح ندارد و اوست که به عنوان شارع انحصاری تنها از چنین حقی برخوردار است. بر همین اساس قوانینی که از سوی دیگران صادر می‌شود از اعتباری برخوردار نیست، مگر آنکه خداوند چنین اجازه‌ای را صادر کرده باشد. پیامبر(ص) و امامان معصوم از حق تشریح به حکم الهی برخوردارند. (حشر، آیه ۷؛ نساء، آیه ۵۹)

ت- دیدگاه معرفت شناختی

توانمندی عقل بشری در کشف و درک نتایج و لوازم حقوق، به عنوان داور قطعی و نهایی کرامت انسان برخاسته از وجود انسانی او نمی‌باشد، بلکه به دلیل انسانیت وی است به عنوان استعدادی بالقوه که گاهی در وجود او به فعلیت می‌رسد و گاهی می‌خشکد. (ابن بابویه، ۱۳۷۶) بدینگونه قرآن، دنیا و آخرت را دو بخش از یک واقعیت میدانند که پیوندی تنگاتنگ دارند چنان که تعریف حقوق طبیعی در قرآن با تعریف طراحان حقوق بشر متفاوت است توانمندی عقل تنها در شناخت مصالح و مفاسد زندگی دنیوی پذیرفته است. اما به طور کلی پذیرفته نیست. روح تفاوت حقوق بشر جهانی با حقوق بشر دینی در نگاه متفاوت آن دو به انسان، نهفته است. (ابن هشام، ۱۳۷۵)

خداوند سبحان در ضمن آیات بسیاری، طبیعت و اجزای آن را به عنوان یکی از منابع معرفتی انسان معرفی می‌کند و ما را به تأمل و تفکر در اجزای آفرینش دعوت می‌کند: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ» (آل عمران: ۱۹۰)؛ ۲۶ محققاً در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز دلائل روشنی است برای خردمندان عالم.

مبانی حقوق بشر

اندیشه حقوق بشر بر برپایه تصور خاصی از انسان استوار است و از دیدگاه‌های خاصی نسبت به هستی معرفت و حقوق مایه می‌گیرد. از اینرو، می‌توان مجموعه دیدگاه‌هایی را که در طرح اندیشه حقوق بشر بر آن تکیه شده یا به عنوان پیش فرض مسلّم محسوب شده است به چهار مقوله انسان شناختی، هستی شناختی، معرفت شناختی و حقوق شناختی یا فلسفه حقوق تقسیم کرد. (لطفی و همکاران، ۱۳۹۸)

دیدگاه انسان شناختی

اولین و مهم ترین مبنای انسان شناختی حقوق بشر باور به کرامت ذاتی انسان است. منظور از انسان در این باور انسان انتزاعی و ذهنی نیست؛ بلکه فرد و شخص انسان است که در خارج با دو پا راه می‌رود و در کنار سایر جانداران با نام انسان متمایز می‌شود و منظور از کرامت ذاتی نیز ارزش و حرمت جدایی ناپذیر است. (صدر، ۱۳۸۲: ۳۲)

دیدگاه هستی شناختی

اساسی ترین دیدگاه هستی شناختی که در شکل گیری و تدوین حقوق بشر مفروض گرفته شده است، جدا انگاری دنیا از آخرت و ندیدن پیوستگی آن دو و همچنین نقش زندگی دنیوی در تعیین سرنوشت اخروی و از سوی دیگر نقش آخرت در تعریف سعادت و نیز ایجاد آمال و اهداف خاص در زندگی دنیوی است. (صدر، ۱۳۸۲)

دیدگاه حقوق شناختی

جدای از این واقعیت که روح حاکم بر اعلامیه حقوق بشر اعتراف و پذیرش حقوق طبیعی است و بر پایه کرامت ذاتی یک سلسله حقوق از آن استنتاج شده است. آنچه مهم است، تعریف ویژه ای است که از عدالت در اعلامیه به چشم می‌خورد. و اما اگر توانمندی عقل را نسبت به مصالح و مفاسد انسان به طور کلی در نظر بگیریم فراتر از یک مقطع خاص که نام آن زندگی دنیوی است؛ بلکه به عنوان یک وجود استمرار یافته و پیوسته از دنیا تا آخرت در این صورت باید گفت؛ قرآن چنین توانمندی برای عقل نمی‌شناسد بلکه بر عکس آن را نسبت به درک سعادت و شقاوت واقعی ناتوان می‌بیند و به همین سبب است که مسأله نبوت و هدایت مستقیم الهی را

ضروری می‌داند قرآن از پدیده ارسال رسولان به عنوان «اتمام حجت» برای بشر یاد می‌کند. (ابن سینا، ۱۳۷۶)

«إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا؛ ما هم چنان که به نوح و پیامبران بعد از او، وحی کردیم به تو [نیز] وحی کردیم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم و به داوود زبور بخشیدیم.»

«وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا؛^۱ و پیامبرانی آرا [فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم و پیامبرانی را نیز برانگیخته ایم که سرگذشت ایشان را بر تو بازگو نکرده ایم و خدا با موسی آشکارا سخن گفت.»

«رُسُلًا مُبْتَلِينَ وَمُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا؛^۲ پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهانه و] حجتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است. ما به تو وحی کردیم هم چنان که به نوح و پیامبران بعد از او وحی کرده ایم و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و سبطها و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی کرده ایم و به داوود زبور را ارزانی داشتیم. پیامبرانی مژده دهنده و بیم دهنده تا از آن پس مردم را بر خدا حجتی نباشد، و خدا پیروزمند و حکیم است.

وجوه مشترک دیدگاه اعلامیه حقوق بشر و قرآن کریم

شکی نیست که در برخی از مواد اعلامیه حقوق بشر به ویژه ماده اول به نکات گرانبهایی در خصوص کرامت انسان اشاره شده است. کرامت انسانی در تمام مکاتب دینی و بشری مورد احترام بوده و به آن ارج نهاده شده است:

۱ سوره نساء/ آیه ۱۶۳

۲ سوره نساء؟ آیه ۱۶۴

۳ سوره نساء/ آیه ۱۶۵

کرامت انسان در قرآن کریم

هم در منشور سازمان بین الملل و هم در قرآن کریم به کرامت انسان توجه تام و التفات کامل صورت گرفته است خداوند تبارک تعالی در خصوص تکریم و ارج نهادن به شخصیت انسانها فرموده است «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا برنشانده ایم و از پاکیزه ها روزیشان داده و آنان را بر بسیاری از آفریده های خویش برتری خاصی داده ایم.

تساوی ذاتی و اصل برابری

اسلام به عنوان یک دین جهانی که مدافع حقوق انسان ها و برابری و تساوی ذاتی آحاد جامعه ملی و بین المللی است، توجه ویژه ای به حقوق بشر دارد. مصداق بارز این توجه را می توان در انطباق و هم سوئی آیه ۲۵۶ سوره بقره با مواد ۱۹ و ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر دید.

در آیه ۲۵۶ سوره شریفه بقره می خوانیم: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا انْفِصَامَ لَهَا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ کار دین به اجبار نیست، تحقیقا راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده، پس هر که از راه کفر و سرکشی دیو رهزن برگردد و به راه ایمان به خدا گراید بی گمان به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست، و خداوند (به هر چه خلق گویند و کنند) شنوا و داناست.»

در اعلامیه جهانی حقوق بشر مواد ۱۹ و ۱۸ آمده است: «هرکس حق دارد که از آزادی فکر، وجدان و مذهب بهره مند شود. این حق متضمن آزادی عقیده و ایمان و اندیشه می باشد و هم چنین هرکس حق اظهار عقیده و بیان خود را دارد.»

آنچه در اعلامیه جهانی حقوق بشر برجسته شده است حقوق انسان ها بر یکدیگر و به رسمیت شناخته شدن این حقوق از سوی همه ی ملت ها و اقوام و حکومت ها است. پس، اگرچه اعلامیه حقوق بشر جامع انواع حقوق متقابل انسان با جهان خارج از وجودش

نیست، اما در محدوده تبیین حقوق متقابل بر یکدیگر گام مهمی بوده است. احترام به کرامت انسانی از موارد مهمی است که در اسلام و اعلامیه حقوق بشر بر آن تأکید شده است. (لطفی و همکاران، ۱۳۹۸)

وجه تمایز حقوق بین الملل بشر و حقوق بشر از دیدگاه قرآن

در خصوص حقوق بشر از دیدگاه اسلام تاکنون تحقیقات زیادی انجام شده است و برخی از نویسندگان و گویندگان به مقایسه این حقوق با حقوق بین الملل بشر اسلامی مخالفند و می گویند، بشر، بشر است. اسلامی و غیراسلامی ندارد، حقوق بشر یکی است و آن همان حقوق بین المللی بشر در عصر حاضر است و ذکر دیگر انواع حقوق بشر و تلاش بر تحمیل یک نوع از حقوق بشر هدفی جز نقض حقوق انسانی ندارد ولی می توان گفت که سخن بالا یعنی نفی دیگر تفکرات و ایده ها درباره حقوق بشر بر همه ملت ها و اقوام و فرهنگ ها و تمدن ها، خود برخلاف حقوق بین الملل بشر است.

از سوی دیگر برخی در توضیح حقوق بشر از دیدگاه اسلام، صادقانه می گویند تا نشان دهند که حقوق بشر از نظر اسلام تفاوتی با مواد مندرج در منشور بین المللی حقوق بشر شامل اعلامیه حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و میثاق حقوق مدنی و سیاسی مصوب ۱۹۶۶، ندارد و این دو کاملاً برهم منطبق هستند. برخی نیز با انتقاد شدید از اعلامیه جهانی حقوق بشر و مقایسه آن با اصول و احکام مذهب سعی در اثبات این نکته دارند که این اعلامیه ناقص و ابتدایی و در برابر ارجحیت و ممتاز بودن احکام مذهبی فاقد کارایی است. (ارفعی، ۱۳۷۲)

اشتراک یا افتراق

حقوق بشر در معنای کلی آن در پی گسترش آزادی عقیده و بیان و ترویج احترام به تنوعات فرهنگی است و باور به وجود افکار متفاوت و دکترین های گوناگون در رابطه با حقوق بشر خود جلوه ای از این امر است، همانگونه که در نخستین سطر مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز آمده است: «شناسایی حیثیت ذاتی همه اعضاء خانواده بشری و حقوق

یکسان و انتقال ناپذیر آنان اساس آزادی، عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد.» (صابری، ۱۳۹۳)

تفاوت در موضوع

مطابق گفته‌های قبل موضوع حقوق بشر انسان است، انسانی که در آن از هر قیدی در نوع انسانیت آن باید نادیده گرفته شود. انسان موصوف به مسلمان، مسیحی، یهودی، ترک، عرب، ایرانی، آمریکایی، سفید، سیاه و غیر اینها هیچ کدام موضوع حقوق بشر نیست. بلکه موضوع حقوق بشر انسان فارغ از همه اوصاف و ویژگی‌های فرامنطقه‌ای، فرافرهنگی و فرا دینی است. اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز خواسته است تا با الغای هرگونه خصوصیت زاید بر ماهیت انسانی، دایره‌ی شمول حقوق اساسی برای انسان را به همه افراد بشر تعمیم بخشد. در ماده ۱ این اعلامیه آمده است: «تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق باهم برابرند.» مطابق این ماده صرفاً بر یک دیدگاه تأکید شده است و آن به دنیا آمدن است و سخنی از خلقت انسان یا هدف خلقت وی به میان نیامده است و همین نکته است که باعث تفاوت اصل موضوع در حقوق بشر غربی و حقوق بشر اسلامی می‌شود. (ارفعی، ۱۳۷۲)

تفاوت در مبانی و محوریت حقوق بشر

با توجه به اختلاف در مبانی و دیدگاه و نگرش نسبت به انسان نباید انتظار داشت احکام حقوق بشری برخاسته از عقل انسانها و به عبارت دیگر حقوق بشر مطلق با احکام حقوق بشری منبعث از وحی و به عبارتی حقوق مقید به قیود دینی، صددرصد یکسان و فاقد هرگونه تمایز باشد.

تفاوت در نگرش به اصل تساوی

مقصود از اصل تساوی برابر بودن تمام افراد ملت از لحاظ حقوق و وظایف است در بسیاری از موارد تساوی در حقوق با تساوی در احوال اشتباه میشود؛ تساوی در احوال ممکن نیست زیرا اشخاصی که از لحاظ لیاقت و توانایی جسمی اختلاف زیاد دارند در حالی که تساوی در حقوق و تکالیف از طریق اجرای دقیق قانون امکان پذیر است.

تعیین حقوق انسان در اعلامیه جهانی حقوق بشر و غفلت از تکالیف بشری

ادیان که هم حقوق انسانها را بیان کرده‌اند و هم تکالیف او را تعیین نموده‌اند یعنی حق و تکلیف را در کنار یکدیگر مشخص کرده‌اند، بنابراین وقتی انسان داند که مقابل هر حقی برای خود در مقابل دیگران تکلیفی برعهده دارد. (صابری، ۱۳۹۳)

تفاوت در نوع نگرش به انسان

همانطور که بیان کردیم، انسان از دو جنبه مادی و معنوی تشکیل یافته است که به جنبه مادی بعد حیوانی و به جنبه معنوی آن بعد انسانی نیز گفته می‌شود. بعد حیوانی انسان شامل جسم و اندام فیزیکی او و غریزه‌هایی مانند غریزه شهوانیه، غریزه خشم و غضب و نیازهای جسمی مانند نیاز به غذا نیاز به آسایش و استراحت جسمی می‌باشد و بعد انسانی انسان در بردارنده مسائلی مثل عقل و اندیشه وجدان و اخلاق روح معنویت‌گرایی تکامل و تعالی طلبی و مدنیت است. (امام خمینی، ۱۳۷۸)

اختلاف و تفاوت در تعریف و تفسیر آزادی

آزادی کلامی زیبا و دلپذیر است که هر انسانی را مجذوب و خواهان خود نموده است، تمام افراد و گروههای اجتماعی این کلام را ارج می‌نهند و در قالب و محدوده حرف و سخن خود را طرفدار و مروج آزادی می‌شمرند، هیچ کس را نمی‌توان یافت که بتواند با اصل آزادی انسانها اعلام مخالفت کند، حتی حاکمان و پادشاهان و سردمداران حکومتهای دیکتاتور و مستبد نیز هر چند در عمل آزادی انسانها را کنند که افراد جامعه را در بند کشیده و آنها را مطیع خود نمایند. و سعی می‌کنند که افراد جامعه را در بند کشیده و آنها را مطیع خود نمایند. (امام خمینی، ۱۳۷۸)

موارد نقض حقوق بشر در جهان

تعریف نقض حقوق بشر

زمانی دولت و نهادهای وابسته آن و یا نهادهای غیر دولتی حقوق اساسی افراد را از جمله حقوق مدنی، سیاسی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی آنها را انکار و مورد تجاوز قرار می‌دهند. نقض حقوق بشر رخ داده است. نقض حقوق بشر شامل رعایت نکردن، نقض و ممانعت از

برخورداری انسانها از تمامی حقوقی است که به صرف انسان بودن از آن حقوق برخوردارند و در اسناد بین المللی مطرح شده اند. نقض حقوق بشر در ایالت متحده آمریکا (۳۱۰۲)

مجازات اعدام

از حدود سال ۱۴۱۱ که دولت فدرال در ایالات متحده آمریکا مجازات اعدام را دوباره مجاز کرد، تاکنون یک هزار مورد مجازات مرگ اجرا شده است. در سال ۳۱۱۲ آمار مربوط به اجرای مجازات مرگ در آمریکا به ۲۱ تن رسید که بیشتر آنها در دو ایالت تگزاس و اوکلاهما اجرا شده است. (سازمان ملل متحد، ۱۳۷۴)

گزارش دو پهلوی سازمان ملل از نقض حقوق بشر توسط داعش در عراق

گزارش سازمان ملل متحد که روز دوشنبه در بغداد منتشر گردید حاکی از نقض گسترده حقوق بشر در عراق با انگیزه های هر چه بیشتر قومی و نیز وخامت وضعیت حاکمیت قانون در بخشهای بزرگی از این کشور است.

انتقاد چین از نقض حقوق بشر توسط آمریکا

کشور چین با انتقاد از گزارش حقوق بشر آمریکا در سال ۲۰۱۳ میلادی تأکید کرده است که واشنگتن از بزرگترین نقض کنندگان حقوق بشر است و پرونده سیاهی در این زمینه دارد. به گزارش ایرنا رسانه های چین روز شنبه با انتشار گزارشی و مقام های این کشور در اظهار نظرهایی از وضعیت حقوق بشر در آمریکا انتقاد و تأکید کردند که کشورمان با این همه جرایم حقوق بشری حق اظهار نظر درباره وضعیت حقوق بشر دیگر کشورها را ندارد. (دانشنامه موضوعی قرآن کریم، سایت اینترنتی)

نتیجه گیری

باتوجه به آنچه بیان شد، تنها مرجعی که صلاحیت قانون و ایجاد مقررات برای انسان را دارد خداوند متعال است و از آنجا که خدا خالق فطرت انسان ها است، به ضرورت های او اشراف کامل دارد و از طرفی، بدون هیچ غرض و جانب ورزی از قوانین وضع شده، بهترین احکام در میان جامعه نیز طبعاً احکامی هستند که از این منبع عظیم سرچشمه گرفته باشند. بر

همین اساسا، قوانین اسلام که همگی مبنا و منابعش از دستورات الهی گرفته شده، کامل ترین قانون زندگی بشر است که به صورت تمام و کمال، تمامی حقوق بشر در آن لحاظ شده است. بنابراین، حقیقت آن است که روح و جوهره تفاوت حقوق بشر موجود با حقوق بشر برگرفته از دین در نوع نگاه آن دو به انسان به عنوان موجودی دنیوی محض یا موجود دینی - اخروی نهفته است. اگر در اندیشه حقوق بشر، کرامت ذاتی برای فرد انسان به عنوان یک موجود فرض می شود، و اگر عقل به عنوان نیروی توانمند برای کشف مصادیق عدالت و ظلم برآمده از آن کرامت تلقی می شود، در حقیقت به این دلیل است که به انسان به عنوان یک موجود دنیوی نگریسته شده است. اما در حقوق دینی نگاه به انسان از نوع دوم است. از این رو کرامت، گستره و زمینه دیگری می یابد؛ گستره ای که بتواند پس از این جهان نیز استمرار یابد. همچنین عقل نیز در درک و شناخت لوازم و پیامدهای آن کرامت یعنی مصادیق عدالت و ظلم، محدودیت می یابد.

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن بابویه، محمد بن علی الأمالی، (۱۳۷۶ش)، کتابچی، تهران چاپ ششم.

ابن سینا، الالهیات من کتاب الشفاء، (۱۳۷۶ش)، تصحیح حسن حسن زاده آملی، دفتر تبلیغات اسلامی قم.

ابن هشام، عبد الملک بن هشام، (۱۳۷۵ش)، سیره ابن هشام، مترجم: رسولی، هاشم، تهران: کتابچی.

اداره اطلاعات همگانی سازمان ملل متحد ترجمه مرکز مطالعات عالی بین المللی حقوق بشر در جهان امروز، (۱۳۷۹ش) دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران چاپ اول، تهران.

ارفعی، عالیه، و محمدرضا دبیری، (۱۳۷۲ش)، حقوق بشر از دیدگاه مجامع بین المللی، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات.

امام خمینی روح الله، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

دانشنامه موضوعی قرآن کریم نشانی www.maarefquran.org

سازمان ملل متحد واقعیتهای اساسی درباره سازمان ملل متحد، (۱۳۷۴)، ترجمه قدرت الله، معمارزاده: تهران: انتشارات کتاب سرا.

صابری، اصغر، (۱۳۹۳)، جایگاه حقوق بشر در اسلام، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.

لطفی، محمدحسین، جلالی، مصطفی، حریری، صادق، (۱۳۹۸)، مقایسه حقوق بشر از دیدگاه قرآن کریم، روایات و اعلامیه جهانی حقوق بشر، اولین کنگره علمی پژوهشی سراسری توسعه و ترویج علوم تربیتی و روانشناسی، جامعه شناسی و علوم فرهنگی اجتماعی ایران انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین.

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: صباحی گراغانی معین، دژن حمیدرضا، بررسی تطبیقی اعلامیه بین المللی حقوق بشر با تعالیم قرآنی، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، زمستان ۱۴۰۲، صفحات ۷۳۰-۷۱۳.

